



روحانیت؛ مرجعیتی که پایدار می‌ماند

عصر انقلاب اسلامی، عصری جدید و تجربه‌ای تازه را آفریده

۱۰



فاجعه سقف‌های وافل در متروپل

دکتر فریبرز ناطقی‌الهی در گفت‌وگو با همشهری از حادثه آبادان گفته است

۱۱



متروی پرند چشم انتظار منابع مالی

باز هم تأخیر در تأمین منابع مالی، زمان تکمیل خط متروی تهران - پرند را با اما و اگر روبه‌رو ساخته است

۱۲

جامعه



عکس شهروندان ایران در سیتی

همدردی به سبک زنان بهبودیافته

زنانی که اعتیاد را ترک کرده‌اند، این روزها امکانات حداقلی را به آسیب‌دیدگان اجتماعی می‌رسانند

گزارش روزنامه‌نگار مرضیه موسوی

«خانم دکتر و دوستانش» این روزها یک تنه جای دوست، خانواده، مددکار و دلسوز را برای زنان بی‌پناهی که روزگارش‌ان را در کارتن‌خوابی می‌گذرانند، پر می‌کنند. این تیم کوچک اما پر تلاش که سال‌ها سوء مصرف موادمخدر را تجربه کرده بودند، بعد از ترک، چهار چشمی مراقب زنانی هستند که هنوز به ت خط نرسیده‌اند و امیدی برای برگشت آنها به زندگی عادی هست. خانم دکتر و دوستانش سراغ زنان کارتن‌خواب در پارک‌ها می‌روند و آنها را به ترک اعتیاد و بازگشت به خانه دعوت می‌کنند. آنها تنمه و وسایل و امکانات بهداشتی‌ای که از طریق مراکز کاهش آسیب به دستشان می‌رسد بین زنان توزیع می‌کنند و پای دردل شان که اغلب در ماه‌های گذشته سر و کله‌شان در این پارک‌ها پیدا شده، می‌نشینند.

روزی که «افسانه» نخستین قدم برای ترک مواد را برمی داشت، فکرش را هم نمی‌کرد زنان پرشمار مثل او روزهای تلخ و تاریکی را با اعتیاد می‌گذرانند. راهش که به پارک‌های شوش و هرندی افتاد با این واقعیت روبه‌رو شد. نخستین ماه‌های بعد از ترک مواد بود که دوباره به این پارک‌ها برگشت تا به این زنان یادآوری کند که تنها نیستند و می‌توانند روی کمک‌های حداقلی او حساب کنند. حالا ۷سال است که هر روز کولاش را با وسایل بهداشتی اولیه پر می‌کند و به پارک‌های محدوده دروازه‌غفار می‌رود؛ از چسب زخم و گاز استریل گرفته تا سرگ و... می‌گذاشتند همه می‌گفتند: «خانم دکتر آمد.» افسانه می‌خندد: «به خاطر یک چسب زخم و یک پماد سوختگی‌ای که به آنها می‌دادیم به ما می‌گفتند خانم دکتر!»

با آنها حرف می‌زد، قول و قرار رفتن به کمپ برای ترک اعتیاد را با زن‌ها می‌گذاشت و پای حرف‌های گاه ی سر و تهشان درباره خانواده یا آخرین رخدادهای پارک می‌نشست. افسانه می‌گوید: «فضی از این زن‌ها سال‌هاست که در همین پارک زندگی می‌کنند. از خانواده طرد شده‌اند و کسی هم در جامعه آنها را نمی‌پذیرد. اینجا حداقل در بین افرادی شبیه به خودشان زندگی می‌کنند و خیالش‌ان راحت است که کسی سرزنشان نمی‌کند. بعد از طرح جمع‌آوری معتادان در ۷ماه گذشته، اغلب‌شان را به کمپ بردند. با این حال دوباره سر و کله عده تازه‌ای در این پارک‌ها پیدا شده است.»

پذیرفته‌نشدن مشکل اصلی

وسایل کوله‌ها را خیریه‌ها و مراکز حمایت از کارتن‌خواب‌ها برای افسانه و دوستانش تهیه

می‌کردند. افسانه می‌گوید: «زنانی که در این پارک‌ها زندگی می‌کنند در تأمین نیازهای اولیه خودشان هم درم‌انده‌اند. اغلب‌شان دچار سوءمصرف مواد هستند و اگر پول یا وسیله‌ای از جایی بدزدند، بی‌پرو و برگرد خرج اعتیادشان می‌کنند؛ برای همین حمایت‌هایی که گشت‌های سیار از آنها می‌کنند، بسیار مهم است.»

حساب زنانی که در سال‌های گذشته به مراکز ترک اعتیاد معرفی و کمکشان کرده تا به زندگی عادی برگردند از دستش در رفته است؛ البته اعتراض می‌کند که خیلی از این افراد به دلایل مختلف دوباره به سمت و سوی اعتیاد کشیده شده‌اند. افسانه که خود سال‌ها در گیر سوءمصرف موادمخدر بوده می‌گوید: «ترک کردن مواد نسبت به پاک ماندن، کار ساده‌ای است؛ یکی، دوماه درد می‌کشی و تمام، اما اینکه بعد از ترک مواد بتوانی زندگی عادی داشته باشی هنر است!» جامعه ما هنوز آمادگی پذیرش فردی را که ترک کرده ندارد. آنقدر به این افراد بدبین است و آنها را از خود دور می‌کند که فرد چاره دیگری برای بازگشت به محیط مصرف ندارد.»

او نداشتن شغلی برای گذران زندگی، پذیرفته نشدن از سوی خانواده و نداشتن سرپناه و خانگی امن و... را از جمله این مشکلات می‌داند. افسانه می‌گوید: «خانواده نقش خیلی مهمی در این میان دارد. زنان بسیاری را می‌شناسم که می‌دانند حتی بعد از ترک مواد هم راهی برای برگشت به خانه ندارند؛ چراکه خانواده آنها را لکه‌نگی برای خود می‌داند، درحالی‌که با مردانی که اعتیاد را ترک می‌کنند معمولاً چنین رفتاری نمی‌شود. حتی برخی خانواده‌ها در ترک کردن مواد توسل به مرد و بازگشت او به خانواده را یک موفقیت می‌دانند و به این فرد افتخار می‌کنند و شناسن دوباره‌ای برای کار و کسب درآمد به او می‌دهند، اما رفتارشان با زنانی که مدتی اعتیاد داشته و حالا ترک کرده زمین تا آسمان فرق می‌کند.»

سروکله تازه‌واردها پیدا شده

افسانه و رویا کوله‌ها را برداشته و یکی پس از دیگری به پارک‌های شوش، حقانی و دروازه‌غار می‌روند. پارک، خلوت‌تر از قبل است، اما خالی نه! نسرین، لیلا، سمیه و دیگر زنانی که سرقلی گوشه و کنار پارک به نامشان بود، دیگر نیستند، اما جایشان را به زنان تازه از راه رسیده‌ای داده‌اند که گاه به همراه شریک زندگی و بچه‌شان در پارک باسایط همیشگی پهن کرده‌اند و گاه یک‌ه و تنها، کنار خنزر و پنزهای به درد نخوری که تمام زندگی‌شان است، لانه کرده‌اند. کوین‌های حمام عمومی که دیگر تمام شده، پماد سوختگی هم چندان کارایی‌ای در تابستان برایشان ندارد، اما هنوز لباس زیرها و پدهای بهداشتی و سری قلیان‌ها به دادشان می‌رسد. رویا که سعی می‌کند اسم زن‌ها را به خاطر بسپارد، آنها را

دعوت می‌کند به کمپ‌های ترک اعتیاد سر بزنند. او که خودش ۴سال در همین پارک در کنار همسرش اعتیاد و کارتن‌خوابی را تجربه کرده است، او تا زمانی که وسایل و لباس‌های امانت مانده در دستش را بین تمام زنان تقسیم کند، به همراه دیگر دوستانش در گشت سیار به پارک‌ها می‌آید؛ بی‌آنکه حقوقی دریافت کند.

در انتظار برنامه‌های جدید

مراکز کارآفرینی‌ای که روزگاری زنان بهبودیافته در آن به کسب درآمد می‌پرداختند، فعلاً تعطیل است. خبری از کارگاه بسته‌بندی و کارگاه‌دوخت دستمال‌های آشپزخانه نیست، رعنا، یکی از این زنان است که با پیش از این در کارگاه بسته‌بندی مشغول به کار بود و از طریق کمک‌های همین مراکز زندگی‌اش را می‌گذراند. او هم این روزها را به توزیع تنمه وسایلی که از گشت‌های کاهش آسیب باقی‌مانده می‌گذراند. رعنا می‌گوید: «شنیده‌ها حاکی از این است که مددسرای زنان شوش به کمپ ترک اعتیاد تبدیل می‌شود.

■

فرد معتاد وقتی می‌بیند که جایی در جمع‌های دیگر ندارد، سراغ همین پاتوق‌ها می‌رود؛ تنها جایی که او را با روی خوش می‌پذیرند یا در بهترین حالت، کسی کاری به کارشان ندارد

بچه‌های ما از ابتدای تصمیم به ترک در مراکز تحت حمایت بودند. مددکارها دنبال گرفتن شناسنامه برای آنها بودند و به تحصیل‌شان رسیدگی می‌کردند. اگر این کمک‌ها و حمایت‌ها نبود دختر من هرگز شانس این را پیدا نمی‌کرد که به مدرسه برود، چراکه اصلاً مدرسه‌ای حاضر به پذیرش او نبود، اما حالا به‌راحتی در کنار دیگر بچه‌های همسن و سال خودش درس می‌خواند. حالا که تصمیم به تغییر شیوه مدیریت در این محلات گرفته شده، باید دید برای حل چنین مشکلاتی چه برنامه‌هایی اندیشیده شده است.» او از اهالی محله هرندی و دروازه‌غار می‌گوید که دل خوشی از حضور معتادان و کارتن‌خواب‌ها در محله نداشتند: «طبیعی است که کسی دوست ندارد در کنار دیوار خانه‌اش افراد کارتن‌خواب سکونت کنند. مردم اینجا احساس ناامنی می‌کردند، اما منی که در این‌چرخه زندگی کرده‌ام، خوب می‌دانم که همین رفتارها و همین نگاه اجتماعی منفی به افراد بی‌خانمان است که باعث می‌شود آنها هر روز منزوی‌تر شوند و

در پاتوق‌هایی زندگی کنند که هر جور خلاقی در آن رایج است. فرد معتاد وقتی می‌بیند که راهی در جمع‌های دیگر ندارد، سراغ همین پاتوق‌ها می‌رود؛ تنها جایی که او را با روی خوش می‌پذیرند یا در بهترین حالت، کسی کاری به کارشان ندارد و آنها را به‌خاطر ظاهر درب و داغان و ژولیده‌ای که دارند، قضاوت نمی‌کنند.» کوپن حسام عمومی، وعده‌های غذایی، ویزیت‌های رایگان پزشکان بدون مرز، مراکز کارآفرینی، مددکاری‌های مربوط به تهیه دوباره مدارک هویتی و شناسنامه کودکان، می‌پذیرد جای کار بود و در بهترین حالت، کسی کاری به کارشان ندارد و آنها را به‌خاطر ظاهر درب و داغان و ژولیده‌ای که دارند، قضاوت نمی‌کنند.» کوپن حسام عمومی، وعده‌های غذایی، ویزیت‌های رایگان پزشکان بدون مرز، مراکز کارآفرینی، مددکاری‌های مربوط به تهیه دوباره مدارک هویتی و شناسنامه کودکان، می‌پذیرد جای خواب امن، تأمین اقلام بهداشتی، ضروری، لباس و کفش، خدمات دندانپزشکی، گروه‌درمانی‌های مربوط به ترک مصرف مواد و... از جمله خدماتی است که کلونی‌های زنان آسیب‌دیده در دروازه‌غار در انتظارشان هستند. مواردی که به‌نظر می‌رسد در رویکردهای جدید مدیریت شهری، مشغول برنامه‌ریزی برای آنها هستند و به شکل تازه‌ای به زنان آسیب‌دیده و بی‌خانمان مرکز پایتخت ارائه می‌شوند.

■

فرد معتاد وقتی می‌بیند که جایی در جمع‌های دیگر ندارد، سراغ همین پاتوق‌ها می‌رود؛ تنها جایی که او را با روی خوش می‌پذیرند یا در بهترین حالت، کسی کاری به کارشان ندارد

بچه‌های ما از ابتدای تصمیم به ترک در مراکز تحت حمایت بودند. مددکارها دنبال گرفتن شناسنامه برای آنها بودند و به تحصیل‌شان رسیدگی می‌کردند. اگر این کمک‌ها و حمایت‌ها نبود دختر من هرگز شانس این را پیدا نمی‌کرد که به مدرسه برود، چراکه اصلاً مدرسه‌ای حاضر به پذیرش او نبود، اما حالا به‌راحتی در کنار دیگر بچه‌های همسن و سال خودش درس می‌خواند. حالا که تصمیم به تغییر شیوه مدیریت در این محلات گرفته شده، باید دید برای حل چنین مشکلاتی چه برنامه‌هایی اندیشیده شده است.» او از اهالی محله هرندی و دروازه‌غار می‌گوید که دل خوشی از حضور معتادان و کارتن‌خواب‌ها در محله نداشتند: «طبیعی است که کسی دوست ندارد در کنار دیوار خانه‌اش افراد کارتن‌خواب سکونت کنند. مردم اینجا احساس ناامنی می‌کردند، اما منی که در این‌چرخه زندگی کرده‌ام، خوب می‌دانم که همین رفتارها و همین نگاه اجتماعی منفی به افراد بی‌خانمان است که باعث می‌شود آنها هر روز منزوی‌تر شوند و

خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری در سال‌های گذشته معتادان متجاهر جمع‌آوری و بین عماره تا یک سال نگره‌داری می‌شدند، اما روزشماری می‌کردند تا این دوره تمام شود: «به‌عبارتی می‌توان گفت که در سال‌های گذشته برای زندگی اجتماعی آنها، سم‌زدایی و بازگشت معتادان به خانواده و جامعه برنامه‌های وجود نداشت. اما یکی از موارد مهم در این دوره، مدیریت شهری، توانمندسازی این افراد است؛ به‌عبارتی در طول دوره روی آمادگی روحی و روانی افراد کار می‌کنیم.» او با بیان اینکه باید از فکر معتاد به‌عنوان مجرم عبور کنیم، ادامه می‌دهد: «اگر این افراد را خانواده خود بدانیم و احساس کنیم دختر فراری دختر ما و معتاد در خیابان فرزند ماست، به‌راحتی از کنار مصوبات رد نمی‌شویم. هیچ وقت این دغدغه وجود نداشته است تا این افراد آسیب‌دیده را خانواده خود بدانیم.»

۶۰۰ تا ۸۰۰ معتاد زن در تهران

به گفته احمد احمدی‌صدر، وسعت تهران از نظر جمعیت معادل چند کشور همسایه است و این مسئله باعث شده تا شاهد آسیب‌های اجتماعی فراوانی در تهران باشیم؛ «سال۹۵ با وجود تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر رسیدگی ویژه به آسیب‌های اجتماعی در تهران باز هم شاهد افزایش جمعیت معتادان در شهر تهران بودیم، به‌طوری‌که جمعیت معتادان شهر تهران از ۱۰ هزار نفر در سال۹۵ به ۲۰هزار نفر در سال۱۴۰۰ رسید. درباره زنان هم برآوردهای ما عددی بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ معتاد متجاهر است و ظرفیت‌ها هم برای نگره‌داری آنها ایجاد شده تا بتوان اقدامات لازم را برای ساماندهی او همچنین با اشاره به برگزاری این نظم‌جست و قرارگاه اجتماعی تأکید می‌کند: «تاکنون قرارگاه آسیب‌های اجتماعی ۲۱جلسه برگزار کرده و ۲۸۰مصوبه داشته که ۸۴ درصد مصوبات اجرا شده و ۱۶ درصد در حال اجراست که البته ۵۰ درصد از مصوبات اجراشده همان مصوباتی بود که بین عماره تا چند سال در ساختار سازمان‌های متولی مسکوت مانده و گرفتار بوروکراسی اداری شده بود.» جلسه قرارگاه هم‌مصوب شد تا ظرفیت‌های تهران افزایش پیدا کند و شهرداری تهران در این هم‌افزایی مدیریتی پیشقدم شد.»

احمدی‌صدر با اشاره به شرایط جمع‌آوری و ساماندهی معتادان متجاهر بیان می‌کند: «جمع‌آوری معتادان متجاهر از سوی پلیس با حکم دادستانی انجام می‌شود، البته تمام افرادی که جمع‌آوری می‌شوند، معتاد متجاهر نیستند و در غربالگری‌های اولیه ۳۰ درصد آزاد می‌شوند. تعداد جمع‌آوری در تهران از ابتدای شکل‌گیری قرارگاه بیش از ۱۰۰ هزار نفر بوده که تعدادی از آنها در غربالگری آزاد و بیش از ۷هزار نفر با دادستان و پلیس است.» به گفته مدیرعامل سازمان رفاه،

نکته‌ها

احمد احمدی‌صدر، مدیرعامل سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران: درباره زنان برآوردهای ما عددی بین ۶۰۰ تا ۸۰۰معتاد متجاهر است و ظرفیت‌ها هم برای نگره‌داری آنها ایجاد شده تا بتوان اقدامات لازم را برای ساماندهی و بازتوانی آنها همچنین درمان‌شان انجام داد

افزایش مرکز بانوان در شهر تهران صورت گرفته و بازسازی و تجهیز مراکز ماده ۱۶ نیز با صرف هزینه چند ده میلییاردی از سوی شهرداری تهران انجام شده است. مراکز یاور شهر یک، ۲ و ۳ مرکز شفق، مرکز ویژه بانوان، مرکز طراوت با همکاری سپاه یا احداث شده یا در حال ساخت و تجهیز است

رنجی به‌نام «خانواده زندانی»

در چند سال گذشته آمار بالای زندانی‌ها در ایران و ایجاد مشکلات هزینه‌های مربوط به ساماندهی و نگهداری آنها موجب شد که مسئولین در جهت کاهش تعداد مجرمین در زندان برنامه‌ریزی‌هایی داشته باشند. اما این موضوع ابعاد قابل توجه دیگری نیز دارد که از جمله وجود تبعات و آثار منفی این نوع مجازات بر خانواده زندانیان است. ایران از نظر تعداد زندانی در مقام هشتم جهان قرار داشته و بنابر اعلام کمیسیون قضایی مجلس، تعداد زندانیان در ۴دهه گذشته ۱۶برابر شده است. این آمار به این معناست که با توجه به متوسط خانوار در ایران، چیزی بیش از یک میلیون نفر متأثر از تبعات سوء و منفی این نوع از مجازات هستند.

درواقع وقتی فردی زندانی می‌شود بیش از او، اطرافیان‌ش به‌ویژه خانواده وی صدمه می‌بینند. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که اغلب زندانیان سرپرست خانوار هستند؛ بنابراین مشکلات بسیاری برای خانواده‌ها ایجاد می‌شود. بر خسی از این مشکلات آشکار است مانند مشکلات معیشتی، کاهش قدرت خرید خانوار‌ها، عدم توانایی در تأمین هزینه‌های بهداشتی و... اما برخی از این مسائل پنهان است که می‌توان مهم‌ترین آن را کاهش اعتبار و انسجام خانواده دانست.

علاوه بر این مورد، انگ اجتماعی، انزوا و طرد از طرف بستگان و دوستان نیز این مشکلات را چند برابر می‌کند.

اغلب زنانی که همسرانشان در زندان هستند دچار خلأ عاطفی شده‌و از نظر روانی احساس عدم‌امنیت می‌کنند. بسیاری از این زنان از افسردگی رنج برده و برخی از آنان نیز ر‌اهل طلاق را در پیش می‌گیرند.

فرزندان این خانواده‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند و آسیب‌های بسیاری را تجربه می‌کنند. به‌خصوص اگر در سنین کودکی با نوجوانی باشند زیرا با زندانی شدن یکی از والدین مهم‌ترین الگوی خود در همانندسازی را از دست می‌دهند و در شرایط نبود کنترل‌های تربیتی لازم از سوی خانواده، کاهش عملکرد تحصیلی رخ داده و مستعد پذیرش بزهکاری و جرم شده و در جامعه پذیر ی آنان اخ‌سلا به‌وجود می‌آید؛ به‌طوری‌که بنابر پژوهش‌های انجام شده بین سابقه زندانی بودن یکی از والدین و احتمال ارتکاب جرم در فرزندنان رابطه معناداری وجود دارد و می‌توان گفت این آثار سوء، خواه ناخواه اثر خود را بر جامعه هم گذاشته و به نوعی موجب بازتولید چرخه جرم می‌شود.

بررسی این تأثیرات عاید به خانواده و جامعه ضرورت توجه به خانواده زندانیان را بیش از پیش آشکار می‌کند. هم‌اکنون در ایران کمیته امداد متولی حمایت از خانواده زندانیان است، اما بدون شک خدمات این سازمان پاسخگوی این حجم از مشکلات نیست. شاید نخستین راه‌حلی که برای مدیریت این مسائل و مشکلات به ذهن می‌رسد، کاهش تعداد زندانیان و استفاده از مجازات‌های جایگزین باشد. این نوع مجازات‌ها در کشورهایی چون هلند، فنلاند، آلمان و فرانسه بسیار متداول است و اموری مانند نظافت اماکن عمومی، حفاظت از فضاها یا سبزه‌ها، بوسه‌تانی‌های شهری، تعمیر و نظیف وسایل نقلیه عمومی و دولتی، ارائه خدمات کارگری فعالیت‌های کشاورزی و... را شامل می‌شود.از سوی دیگر هماهنگی در بین سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات به خانواده زندانیان و همچنین برنامه‌ریزی‌های هدفمند و بلندمدت به جای خدمات مقطعی می‌تواند از آلا و رنج این خانواده‌ها بکاهد و با استحکام روابط بین فرد زندانی و خانواده او شرایط بازپروری و عدم ارتکاب مجدد جرم را فراهم کند. امیداست در آینده‌ای نه چندان دور شاهد برنامه‌های کارشناسی شده در این زمینه باشیم تا با کاهش تعداد زندانیان، نهاد ارتزشمند خانواده تقویت شود چرا که سرنوشت جوامع در انسجام و اعتبار نهاد خانواده ریشه دارد.

نداشتن شغلی برای گذران زندگی، پذیرفته‌نشدن از سوی خانواده و نداشتن سرپناه و خانه‌ای امن و... را ازجمله مشکلات زنان بهبودیافته است. آنها می‌گویند: خانواده نقش خیلی مهمی در این میان دارد. زنان حتی بعد از ترک مواد هم راهی برای برگشت به خانه ندارند؛ درحالی‌که ما مردانی که اعتیاد را ترک می‌کنند معمولاً چنین رفتاری نمی‌شود